

بهره‌برداری از ۹۰ درصد مراکز بهزیستی در اختیار بخش خصوصی است

بهره‌برداری از ۹۰ درصد مراکز بهزیستی در اختیار بخش خصوصی است

بهره‌برداری از ۹۰ درصد مراکز بهزیستی در اختیار بخش خصوصی است

هر چند سال یک‌بار مدیریت بعضی از مراکز نگهداری مددجویان تغییر می‌کند. صاحب‌امتیاز جدید اداره مرکز را بر عهده می‌گیرد و همین تغییر هم در مواردی باعث نگرانی خانواده‌های مددجویان و حتی کارکنان مراکز می‌شود. در فضای خدماتی‌ای که به مددجویان و کم‌توانان اختصاص دارد و ترکیبی از ارگان دولتی و بهره‌بردار خصوصی است، نگرانی‌ها از این است که روند فعالیت هر مرکز با مدیریت جدید چه تغییری خواهد کرد. خانواده‌ها که فرزند خود را به این مراکز می‌سپارند دغدغه خدمات مناسب و تخصصی دارند و کارکنان می‌خواهند از این اطمینان داشته باشند که شرایط شغلی آنها در نظر گرفته می‌شود. اخیراً نیز مزایده‌هایی در این زمینه برگزار شده است.

واگذاری مراکز بهزیستی به بخش خصوصی از سال‌ها قبل آغاز شد و ابتدای آن به اواخر سال‌های دهه ۸۰ برمی‌گردد. در این زمان سازمان بهزیستی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، مراکز دولتی ارائه‌دهنده خدمات بهزیستی از جمله مجتمع‌های توانبخشی، مراکز شبیه‌خانواده و مراکز مربوط به آسیب‌های اجتماعی همچون خانه‌های سلامت را به بخش خصوصی واگذار کرد. تا یک‌دهه بعد بیشتر این مراکز تحت مدیریت بخش خصوصی درآمد، ولی مالکیت بهزیستی بر آنها باقی ماند. در حال حاضر ۹۰ درصد فعالیت‌های سازمان بهزیستی به بخش خصوصی واگذار شده است، اما مالکیت مراکز همچنان در اختیار بهزیستی است. شیوه واگذاری مدیریت به مزایده‌هایی است که از طرف سازمان‌های استانی بهزیستی انتشار پیدا می‌کند و متقاضیانی که در آنها انتخاب شوند مدیریت مراکز را با عنوان صاحب‌امتیاز در اختیار می‌گیرند. این اشخاص و مؤسسات اغلب سابقاتی در حوزه مرتبط دارند و برخی از آنها شامل خیریه‌ها هستند.



دکتر الهه سعادت، معاون توانبخشی بهزیستی استان تهران درباره واگذاری مراکز توانبخشی به بخش خصوصی به همشهری می‌گوید: «مهم‌ترین نکته این است که ساختمان‌ها و اگذار می‌شوند اما مددجویانی که بهزیستی سرپرست آنهاست هیچ‌گاه واگذار نخواهند شد و از زیر چتر حمایت و نظارت بهزیستی خارج

اصل و شرح

همشهری در گفت‌وگو با رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مهم‌ترین تغییرات کتاب‌های درسی سال تحصیلی جدید با موضوع جنگ‌های اخیر را پیگیر شد

زنگ جنگ

محمد سربانی | روزنامه‌نگار | مهر ماه امسال با کتاب‌هایی شروع می‌شود که صفحاتی از آنها به یک سال جنگ و پیروزی ایران در نبرد با دشمنان اختصاص پیدا کرده است. دانش آموزانی که صدای بمباران را شنیده‌اند و دیده‌اند که چگونه دشمن آمریکایی و صهیونیستی به ایران حمله کرد، در کتاب‌های درسی امسال خود هم این واقعه بزرگ را خواهند خواند. کتاب‌های درسی امروز مانند یادمان‌هایی هستند که در دل متن، صدای قدم‌های استوار رزمندگان را به گوش نسل نو می‌رسانند تا بیاموزند که شجاعت یعنی چگونه در تارک ترین لحظات، چراغ امید را روشن نگه دارند و مقاومت یعنی حتی وقتی همه چیز از دست رفته، باز هم برای وطن و آرمان ایستادگی کنند. حجت‌الاسلام علی لطیفی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در گفت‌وگو با همشهری تغییرات کتاب‌های درسی را به تناسب ایام جنگ شرح داد.

جامعه امروز



تناسب کتاب‌ها با بازار کار

اتفاق دیگری که تغییرات کتاب‌های درسی را ضروری می‌کند، دگرگونی‌های بازار کار در نتیجه رشد فناوری‌های نوین و شرایط اقتصادی جدید است. لطیفی درباره پیوند برنامه درسی با مدرسه و بازار کار می‌گوید: «پیوند واقعی برنامه درسی با بازار کار از طریق تغییر رویکرد از رشته‌محوری به شاخص‌محوری و اتصال زنجیره نیاز شغلی، شایستگی، استاندارد و آموزش در چارچوب برنامه هفتم توسعه و سند آمایش سرزمین صورت گرفته است. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ۲ سال اخیر با بازطراحی و ایجاد ۸۰ رشته جدید، تألیف ۵۲ عنوان کتاب درسی نونگاشت، بازنگری کلی ۲۷ عنوان کتاب و تدوین نخستین کتاب هوش مصنوعی برای ورود به سال تحصیلی جدید را انجام داده است. با این کار محتوای هنرستان‌ها با فناوری‌ها و نیازهای روز همسو خواهد شد. این تحول همراه ارتباط مستقیم، مداوم و مشارکت صاحب مشاغل، صنعت، خیرگان و افراد متخصص این حوزه دنبال شده است.»

امسال که مدرسه‌ها باز می‌شوند، دانش‌آموزان ابتدایی در کتاب درسی هدیه‌های آسمانی متوسطه در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، تاریخ و آمادگی دفاعی با فصل جدیدی روبه‌رو می‌شوند که روایتگر جنگ یک سال گذشته است

تدوین محتوای ایثار و مقاومت حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در این باره به همشهری می‌گوید: «به منظور بازگشایی هفتمند مدارس متناسب با شرایط ناشی از جنگ تحمیلی و سوس، کار گروه ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت در وزارت آموزش و پرورش با محوریت سازمان تشکیل شد تا اقدامات سادی و محتوایی را هماهنگ کند. علاوه بر کتب درسی از ظرفیت رسانه‌های مکمل آموزشی نظیر انتشار ویژه‌نامه‌های مجلات رشد برای همراه ۱۴۰۵ هم برای تبیین این مضامین استفاده خواهد شد.» او بیان می‌کند: «فرایند کار ایگونه بود که در همان هفته‌های ابتدایی آغاز جنگ، جلسات و کارگروه‌هایی در سازمان با حضور کارشناسان و مؤلفان کتاب‌های درسی برای بررسی محتواها و موضوعاتی که تغییر آنها ضروری بود، برگزار شدند. بعد از جمع‌بندی کلی محتواها، جانبایی آنها در کتاب‌های مرتبط که هنوز چاپ‌سازی نشده بودند، آغاز شد. سپس کارشناسان با استفاده از ظرفیت صاحب‌نظران، منابع معتبر در دسترس و همکاری معلمان و دبیران هر یک از دروس، مشغول تدوین و آماده‌سازی محتوای جایگزین شدند. معمولاً این محتواها بعد از چندبار رفت و برگشت کارشناسی، نهایی شده و برای چاپ ارسال می‌شوند.»

بخش‌های تغییر یافته یا دروس‌های اضافه‌شده به کتاب‌های درسی

- پایه‌های پنجم و ششم - کتاب هدیه‌های آسمانی - در صفحه ۷۲ تا ۷۹ درس «زنگ میناب» اضافه شده است
- پایه نهم - کتاب مطالعات اجتماعی - در صفحات ۱۱۴ تا ۱۱۵ درس «جنگ تحمیلی در سال ۴۰۴» و هدف قرار دادن ارکان قدرت ملی»
- در پایه نهم به کتاب «آمادگی دفاعی» و کتاب «از من تا خدا»، درس مرتبط با جنگ افزوده شده است.
- در کتاب «تاریخ معاصر» پایه یازدهم هم بخشی به جنگ اختصاص پیدا کرده است.
- طرح پشت جلد بیش از ۳۰ عنوان از کتاب‌های درسی هم برای سال تحصیلی پیش رو تغییر کرده است.

عناوین متفاوت درسی

بیش از ۹۰۰ عنوان کتاب درسی هر سال برای مدارس منتشر می‌شود که برخی از آنها شمارگان اندک دارند و بعضی تا یک میلیون جلد هم چاپ می‌شوند. اگرچه تغییر همه کتاب‌ها زمان‌بر خواهد بود اما امسال، جنگ هم به کلاس‌های درس راه پیدا می‌کند. سال پیش که جنگ ۱۲ روزه شروع شد، سال تحصیلی به پایان رسیده و کتاب‌های درسی سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴ چاپ شده بودند اما برای ایجاد تغییرات در کتاب‌های درسی سال ۱۴۰۶-۱۴۰۵ هنوز وقت باقی مانده بود. در جریان تدوین و چاپ این کتاب‌ها جنگ تحمیلی سوم و جنگ هر مز اتفاق افتاد و هر بار باید مطالب این کتاب‌ها به‌روزرسانی می‌شد. کاری که باتوجه به حجم زیاد این کتاب‌ها برای تمام درس‌ها و پایه‌های تحصیلی ممکن نبود اما سرانجام تعدادی از کتاب‌ها آماده‌سازی شدند.



وداع با نگهبان ایران

از دیروز، ویدئوی دختر کوچک شهید سیدمالک موسوی دست به‌دست می‌شود: دختری که باز یگوشی‌هایش در کنار تابوت پدر شهیدش، نشان از این واقعیت دارد که او هنوز برای فهم کلمه «شهید» کوچک است. این باز یگوشی‌ها در کنار دلتنگی‌های

دختر بزرگ شهید و ایستادگی مادر، قایی ماندگار از این خانواده شهید به یادگار گذاشت: قایی که شاید شهید موسوی در میانه نبرد، بارها با خود مرور کرده بود. شهید سیدمالک موسوی تبار در یازدهمین روز شهر یور، در جریان انجام مأموریت رهایی و مقابله

گزارش

مکت

برش آخر و مرغ آمین

ساعت‌های استراحت و جای نیمروز و ناهار، قالیبافان در دسته‌های ۲، ۳ تا ۵، نفره می‌نشینند و از هر دری حرف می‌زنند؛ یکی از جور نبودن دو دوتای دستمزد و خرج و مخارج زندگی عیال‌واری‌اش می‌گوید، دیگری از جهیزیه یا سیسمونی‌ای که باید همین روزها تدارک ببینند... دست آخر اما، حرف‌هایشان به یک موضوع ختم می‌شود: کار قالی دار فلان شماره دارد تمام می‌شود و حالا نوبت چه‌کسی است که نیت کند و برش آخر آن را بزند. کاظم ثامنی، یکی از قالیبافان مجتمع فرشبافی کهنه‌بیسست با روایت این لحظات می‌گوید: «بافت قالی که تمام می‌شه یکی از بافنده‌ها یا قیچی، ریشه‌های اونو می‌زنه تا از دار بیارنش پایین... رسمه که وقت قیچی‌زدن، حاجت‌خواهی کنیم، می‌گن، بی‌برو بر گرد، مرغ آمین براش می‌چرخه. برای اینکه قیچی آخر، قسمت همه بشه، نوبتی انجام می‌دیم. ولی خوب، به وقتایی هست که نوبتمون رو به کس دیگه می‌دیم... کسی که می‌دونیم دل شکسته‌تره.» چند کارگر، کیسه‌های پر از خامه را به سوی یکی از سالن‌های قالیبافی مجتمع می‌کشاند. خامه‌های تازه رنگ‌شده‌ای که قرار است از سر تعدادی دار قالی اویزان شوند... همان دارها که پیش‌تر گروه‌های قالی‌شان با برش آخر به پایان رسیده و حالا وقت گره‌زنی برای قالی‌های دیگر است.

مکت

فرش عرش را گره می‌زنیم

روایت قالیبافانی که روزگارشان با بافت قالی برای حرم رضوی گره خورده است

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | بوی خامه‌های پشمی و ابریشمی تازه رنگ‌شده و صدای دقتین‌هایی (شسانه‌ای برای کوبیدن بود و گره‌ها) که تقریباً هم‌زمان بر رجهای نو، کوبیده می‌شوند در سالن قالیبافی پیچیده‌است. صدها بافنده که بر تخته‌نشینان دارهای بزرگ و فلزی نشسته‌اند، دقتین‌ها را می‌کوبند. خامه‌های رنگارنگ از بالای هر دار، مقابل بافندگان آویزان است و نقشه‌های قالی نیز کمی پایین‌تر از خامه‌ها، بند و بست چله‌ها شده‌اند. قلاب، قیچی، شانه و سیخ بودکشی نیز کنار هر بافنده مهیا است. اینجا یکی از ۲ مجتمع قالیبافی شرکت فرش آستان قدس رضوی در روستای کهنه‌بیسست است که قالیبافانش، هم معاش و هم نذر گره دارند. ویدئوهای وایرال شده از همت قالیبافان شرکت فرش آستان قدس رضوی، پنهانی‌شد برای روایت خالقان این هنر که مقصدشان حرم رضوی است.

مکت

مفروش از هنر ایرانی

تا پیش از مرداد ۱۳۶۲ فرش‌های بسیاری، نذر صحن و سرای حرم امام رضاع (می‌شد؛ فرش‌هایی که به مرور به رفو و تعمیر نیاز داشت. اما از یکم مرداد ۱۳۶۲ که شرکت فرش آستان قدس رضوی کارش را آغاز کرد، خدمات فرش از تأمین تا تعمیر به دست‌بندی مجموع خدمات حرم اضافه شد. نخستین کارگاه فرشبافی آن، با بیش از ۱۰۰ دار قالی، جایی در روستای کهنه‌بیسست شهرستان مشهد راه افتاد. دارهایی چوبی و فلزی در ۲ ردیف مقابل هم و میانه سالنی بزرگ که هر روز صبح تا غروب، دست قالیبافانی بسیار از شهرها و روستاهای دور و نزدیک بر چله‌شان گره می‌انداخت؛ گره‌هایی ترکی و فارسی به طرح‌های اسلیمی، شاه‌عباسی، افشان، پنه‌نقه‌ای، اقتباسی و در ابعاد مختلف از قالیچه و پرده‌ای تا قالی و تالاری. کمی بعد با فعال شدن واحدهایی مانند طراحی و نقشه‌کشی، رنگ‌ریزی، پرداخت کاری و تابلوسازی از گل فرش‌های متبرک، کارگاه قالیبافی کهنه‌بیسست به مجتمع تخصصی قالیبافی تبدیل شد و بعدتر نیز مجتمعی مشابه آن در شهر کاشمر شروع به کار کرد. در حال حاضر سالانه ۴ هزار مترمربع فرش در مجموع ۹ سالن مجتمع‌های قالیبافی آستان قدس به‌دست بیش از ۴۰۰ قالیباف بافته می‌شود؛ ۴ هزار مترمربعی که صحن و سرا و رواق‌های حرم رضوی را مفروش می‌کند و فکنداز خانه‌های زائران خریدار فرش نیز می‌شود.

مکت

نذر اول؛ قالیبافی امام رضایی

بر تخته‌نشینان بعضی دارها در شماری از سالن‌های مجتمع قالیبافی کهنه‌بیسست، قالیبافان زن نیز به کار بافتن، نشسته‌اند. تند و تیز، نوک قلاب را می‌سرانند زیر تار و نخ را یک یا ۴ گره می‌زنند به بود و بعد به چشم برهم‌زدنی با تیغ کناره قلاب، سر نخ گره‌زده را می‌بزنند. همین‌طور، رجه به رجه از زیر دار تا سر دار را می‌بافند. سبکینه صالح، یکی از بافندگان مجتمع می‌گوید: «واحد طراحی فرش، بیشتر نقشه‌های شاه‌عباسی می‌کشد و همه فرسته برای بافتن... خدا بی‌بخش، شاه‌عباسی، همه پسته‌ده، «سرانگشتان اشاره و شست خود را با چسب زخم پوشانده: «پوششون نازک شده و زود به زود زخم می‌شن... چسب، نمی‌ذاره روی زخم بلند شه یا بسوزد.» زم‌مداش وقت قالیبافی، دعا و صلوات است: «عاقبت به خبری جوون... آزادی زندانیا... شادی دل مادر... جیب پر پول بدر... شقای همه مرضا... لایه‌لای گره‌هایی که به چله می‌اندازد و دعاها بی که می‌خواند، حواسش به سوگند ر حیمی، بافنده تازه‌کار کنار دستش هم هست. دقیقاً از آن روز که سوگند آخرین رجه بافته‌اش کمی پایین‌زدگی داشت، حواسش به او جمع شد: «اول، بادش دادم چطور کوبیدگی (پایین‌زدگی) رو درست کنه. بعد هم سفارشش کردم قالی امام رضا رو با دقت و حوصله و دل و روم بیافه.» سوگند فقط یک جمله می‌گوید: «همون لحظه نذر شام من آمو کردم تا بعد از این خوب قالی بیافم.» قالیبافان امام رضاع (با هر گره انگار که به زیارت می‌روند، این از احوالشان وقت کار، بیاد است.